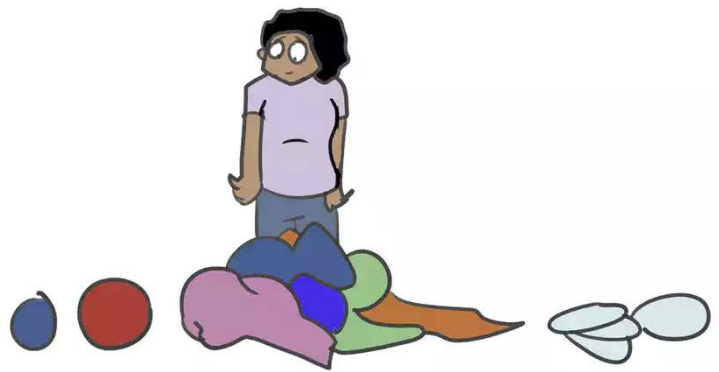


خفت خورت نخواستی!



[اما](#) مهندس علوم کامپیوتر و فمینیستی فرانسوی است. این مجموعه کارتون توسط او درباره «بار روانی» و کارخانگی طراحی شده است. ماچولند اجازه و حق ترجمه و انتشار الکترونیکی مجموعه کارتون‌های فمینیستی اما را دریافت کرده و از شما می‌خواهد برای احترام به حقوق معنوی و حفظ محیط زیست، تا جایی که می‌توانید از چاپ کردن این مجموعه پرهیز کنید. برای دنبال کردن این مجموعه، عضو شبکه‌های اجتماعی ما در [توییتر](#)، [فیسبوک](#)، [اینستاگرام](#) و [تلگرام](#) شوید یا به بلاگ [ماچولند](#) سر بزنید.

به گذشته که برگردیم درست زمانی که اولین کارم رو گرفته
یکی از همکارم من رو برای شام به خونش دعوت کرد



وقتی رسیدم خونشون داشت تلاش می کرد
به بچه ها غذا بده و همزمان غذاک ما رو هم آماده کنه



بعد از مدتی قابلمه سررفت...



و همه چیز ریخت روی زمین

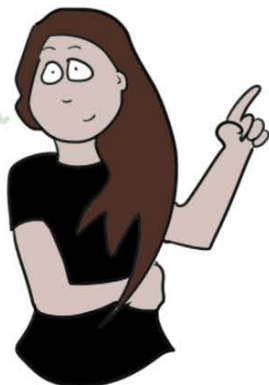
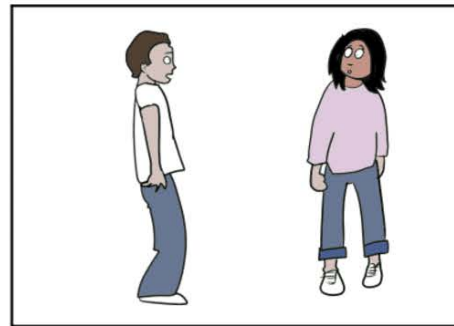




خب چرا از من کمک نخواستی؟
می‌تونستی از من کمک بخوای
و من هم حتماً کمکت می‌کردم

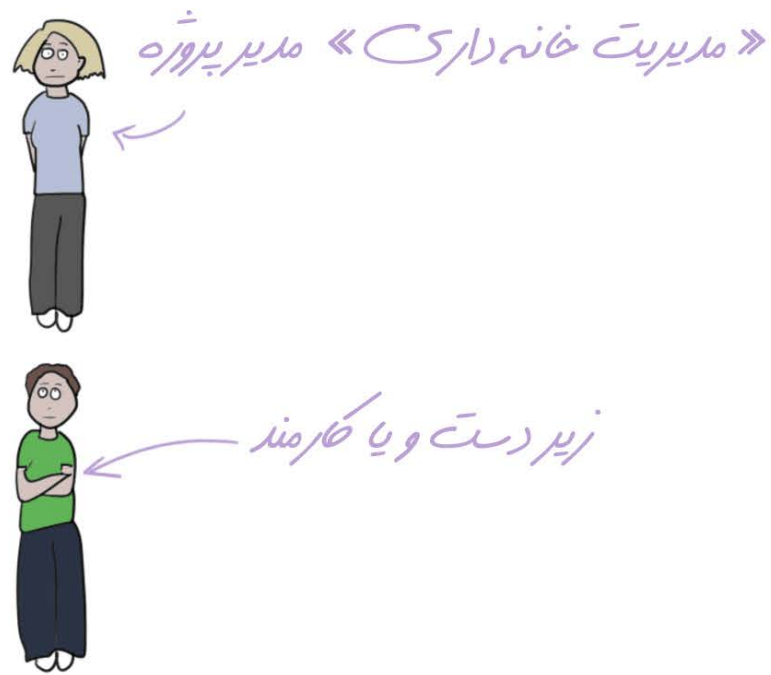


این صحنه ای که حتماً
برای خیلی از اون‌هایی
که تا زگی پدر و مادر شده اند آشناست



من فکر می‌کنم این خیلی چیزها
در مورد اینکه چطور همه چیز توک اون
نوره از زندگی جمع و جور و مدیریت
می‌شه، می‌کنه

وقتی به مرد ارزش می‌خواد که بهش بگه چه کارهایی باید توی خونه انجام بده، این یعنی که مرد اول مدیر کارهای روزمره خونه می‌بینه



در نتیجه به زن بگلی داره که چه کاری و کی باید انجام بشه

مشکل اینه که برنامه‌ریزی و مدیریت امور خونه خودش به تنهایی یک کار تمام وقته



سرکارم وقتی شروع به مدیریت پروژه‌ها کردم
ریله نمی‌تونستم خودم تو پروژه‌ها شرکت
کنم چون ریله وقت نداشتم

بنابراین تو خونه وقتی که از زن می‌خواهیم
که همه چیز رو برنامه‌ریزی و مدیریت کنه و خودش
هم قسمتی از اون کارها رو انجام بده
سر جمع ۷۵ درصد کل کار می‌شه



ظرف‌ها رو نشستی؟



خوب تو ازم
نخواستی

ضمیمت‌ها اسم این رو «**بارروانی**» گذاشتن

بارروانی یعنی همیشه باید خواست باشه

خواست داشته باید گوش پاک کن رو به لیست خرید اضافه کنی

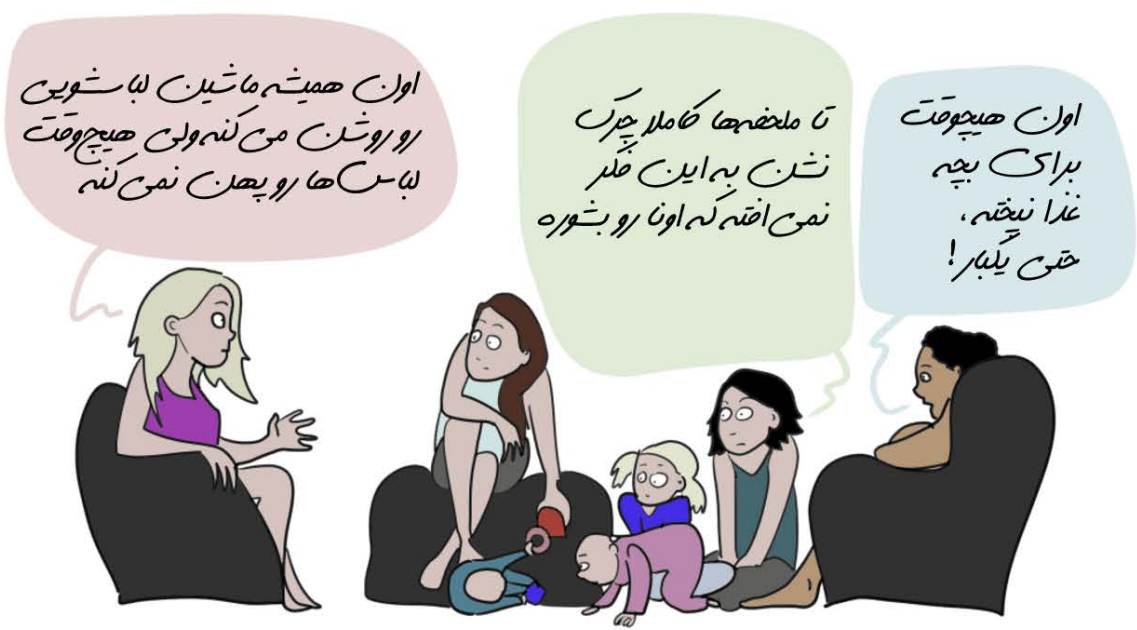


بارروانی تقریباً با زن‌ها زاییده می‌شود



همیگی وخته‌کننده است و دیده هم نمی‌شود

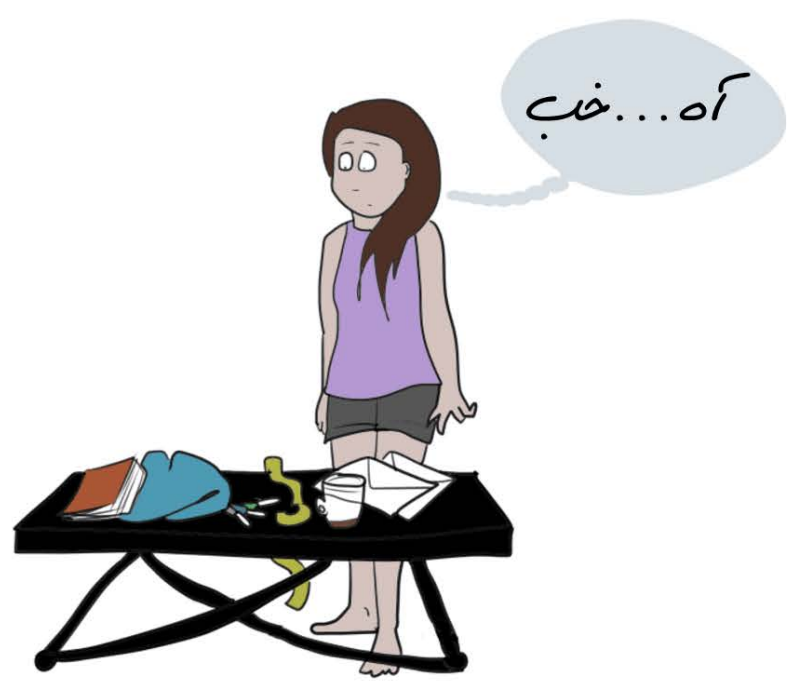
بنابراین اکثر مردهای دگرجنس‌گرایی
که می‌شناسم ادعا می‌کنند که هم عادلانه‌ای
از کارهای خانگی بر عهده اوناست



همسران اولن ها ولی قضیه رو به جور دیگه می بینن



برای من وجود این بار روانی زمانی آشکار می شه که تصمیم می گیرم به جای کوچیلی رو مرتب کنم، مثلاً روی میز رو



من با این شروع می‌کنم
که به چیزی رو بردارم و سر جاش بذارم



سرا راه به حوله کشیف می‌بینم
که می‌رم بیدارمش تو سبد
لباس‌های چرت



ولی سبد لباس‌های چرت پره

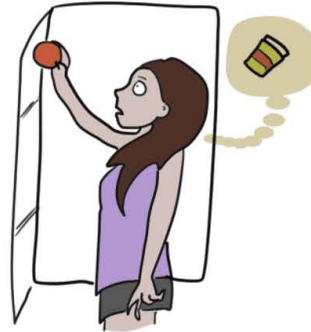
پس می‌رم ماشین
لباس‌شوین رو روشن کنم



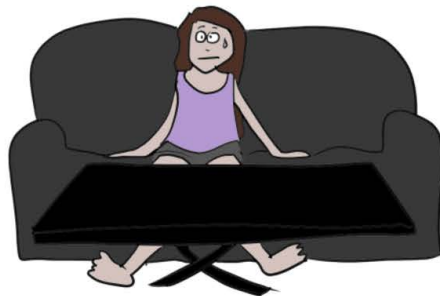
و سبزیجاتی رو که روی کابینت هستن
می‌بینم که باید تو یخچال جا داره بشن

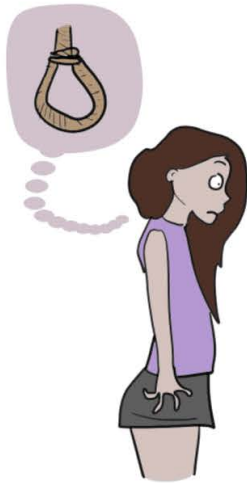


همینطور که سبزیجات رو توکی یخچال
جا به جا می‌کنم، متوجه می‌شم که
باید به لیست خرید من خردل رو اضافه کنم

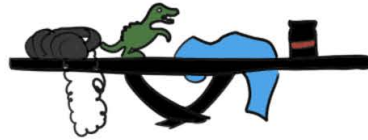


آخر سر من بعد از دو ساعت موفق می‌شم میز رو مرتب کنم





و همچون شب باز میز پیر از وسیله است



اگر من از همسر بخوام که میز رو مرتب کنه، اولن فقط میز رو مرتب می کنه

حواله روی زمین می مونه



سبز بجات روی
کابینه می لندن



و برای شام هم
س خردل نخواهیم داشت



این درست مثل زمانیه که دوستم تو راه رفتن به رختخواب به شوهرش گفت:



می تونی لطفاً شیشه شیر بچه رو
از توی ماشین ظرفشویی
در بیاری؟

وقتی برای اولین نوبت شیر دادن
شبانه بیدار شد، دید که در ماشین ظرفشویی
باز شده و شیشه شیر بچه رو می آتش خونه
است و بقیه ظرف ها توی ماشین ظرفشویی هستن



در واقع وقتی همسران ما از ما می خوان
که بهترن بلیه چه کاری باید انجام بدن
اونها از اینکه توی اون « بار روانی » سهمی
داشته باشن طفره می زن



آه کمک می خواک
بهم بگو



ولی ما توی جامعهای به دنیا اومدیم

که خیلی زود توش به
ماها عروسک دادن
و جارو برقی های کوچولو



و همزمان برای پرها
زشت بود که با همون
اسباب بازی ها بازی کنن



اولن پسر بچه مسول رو
نگاه کن داره با وسایل
آشپزی ش بازی من کنه

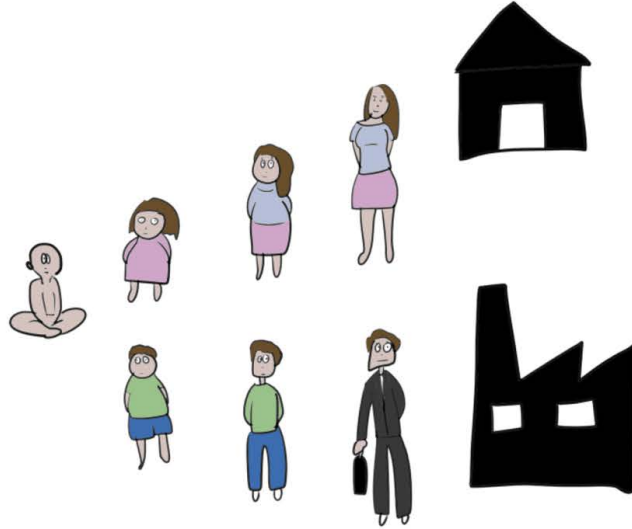
در همون جامعه‌ای که ما داریم که مادرامون همه امور زندگی رو مدیریت می‌کنن و پدramون فقط خواسته‌ها رو اجرا می‌کنن



در همون جامعه‌ای که فرهنگ و رسانه‌ها از زنان تصویر مادر و همسر می‌سازن و از مرد تصویر قهرمانی که برای ما جراحیوی از خونه میره بیرون



این شرایط از سال‌های اولیه عمر ما
شروع می‌شود و اثرش تا بزرگی ادامه دارد

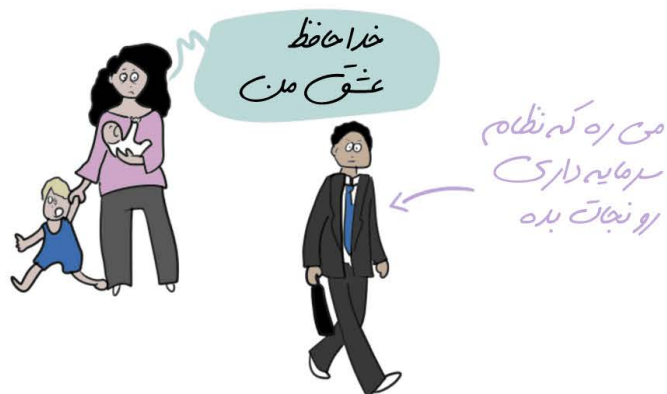


و با اینکه زنان بیشتر و بیشتر بیرون از خانه
کار می‌کنند، اداره امور خانه هنوز هم
بر عهده اولادها می‌ماند



وقتی که ما مادر می‌شویم این
مسئولیت‌های دوگانه ما رو از پا در میاره

دو هفته بعد از زایمان، شوهرمون بر می‌گردد سر کار



و به نظرش همه چیز عارینه

در همین حال، در حالی که هنوز بخت‌های
زایمان خوب نمانده، وسط شب‌های
بی خوابی، به همه چیزهایی فکر می‌کنیم
که مربوط به بچه است

انتخاب پرستار



خرید لباس



دکتر رفتن و واکسن زدن



آماده کردن غذا



و به محض اینکه بر می‌گردیم
سر کار همه چیز بدتر از قبل می‌شه
و به جایی می‌رسیم که ترجیح می‌دیم
همه کارها رو خودمون انجام بدیم
تا اینکه با هم‌مومون سر اینکه اول
همش رو انجام نمی‌ده جرو بحث کنیم



سرا راه باید بریم سوپرمارکت

و به همین دلیل که تو پدرانی رو می بینی که بچه هاشون
چند سالی از عمرشون می گذره ولی هنوز نمی دونن
از کجا باید براشون لباس بخرن، چه غذایی باید بهشون
بدن، نوبت واکسن بعدی شون کیه، و حتی
شماره تلفن دکترشون چنده



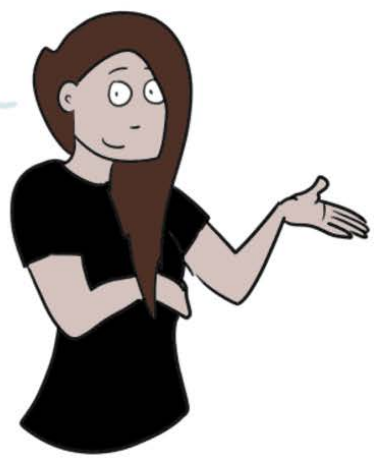
البته که هیچ چیزی مجبورمون نمی کنه
که همه این کارها رو انجام بدیم

مشکل اینجاست که ما انجام ندیم
همه خانواده عذاب می کنه



خیلی از ماها تسلیم شدیم که ما باید این
بار روانی رو به تنهایی به روش بکشیم
از وقت کار یا استراحتمون می زنیم فقط
برای اینکه همه چیز رو مرتب کنیم

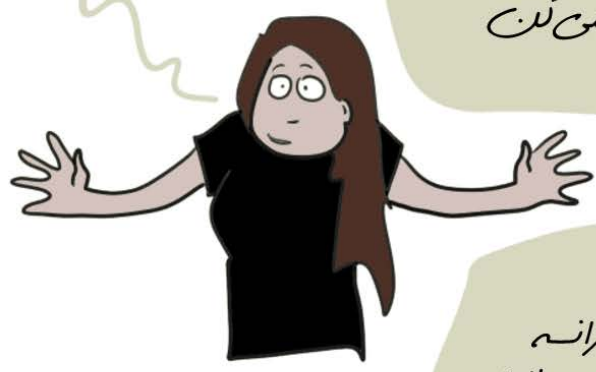
خب من از همین الان می‌تونم
بعضی از مردها چینی می‌خوان
در این مورد بلد



این درست نیست. من نصف
کارهای خونرو انجام می‌دم



خب این که عالییه ولی
لطفاً ببین آیا همسرت
هم این رو تأیید می‌کنه؟



حتی اگه تو خونه شما کارها به این
صورت پیش می‌ره، بر طبق آمار
هنوز هم مشکل حل نشده. زن‌ها
ها همچنان کارهای خونرو
مدیریت و برنامه‌ریزی می‌کنن

بر اساس سازمان آمار فرانسه
زن‌ها همچنان ۲.۵ برابر مردان
زمان برای برنامه‌ریزی کارهای
خونه صرف می‌کنن

والتر این اختلاف زمان صرف شده کمتر شده به خاطر این نیست که مردها بیشتر کار انجام میدن ...



بلکه به این خاطر که مثلا کارهای خونه بیشتر به اصرار دایتری خارج از خانواده والدان شدن، معمولا به زن های طبقه های فرودست جامعه ...

ما نمی تونیم بگیم که این به راه حل خوبه



نه!! برای اینکه واقعا تغییر اتفاق بیفته باید مردها یاد بگیرن که خونه اولن ها مسئولیت اولن ها هم هست



برای شروع خوبه که پدرها بر حق خودتون پافشاری کنن. نه ماه های اول بعد از تولد فرزند رو در کنار خانواده شون باشن

در حال حاضر فقط فمینیته ها هستن که برای داشتن مرخصی بیشتر مردها بعد از فرزندآوری اصرار می کنن که خیلی هم موفقیت آمیز نیست. الان وقت عمل کردنه!

این می‌تونه کمک کنه که از
اول شروع کنیم و برنامه ریزی
برای کارهای عقب افتاده و
کم اهمیت خونہ رو تقسیم کنیم



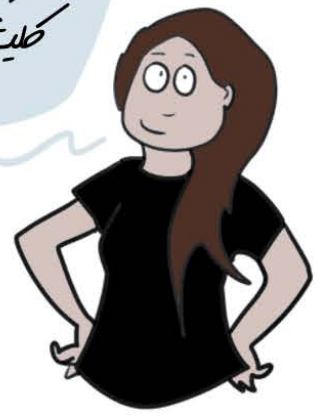
و همچنین گاهی هم از خونہ برنین
بیرون بدون اینکه همه چیز رو از قبل
آماده و مهیا کرده باشیم و عذاب
وجدان هم نداشته باشیم

حتی اگه این به معنی
اینه که کمی تحمیلون
رو در بدن شغلون های
اطراضتون بالا ببرین

عوض کردن نقش‌ها
تو بیشتر موارد تاثیر گذارتره
تا رو در رو شدن و مقابله



و ملما تا جایی که ممکنه
نود کانونون رو به دور از
کلیشه‌ها تربیت کنیم



برای اونها آینده
عادلانہ تری رو نسبت
به اونچه که به ما رسیده
فراهم کنیم

خب من می‌تونم خیلی بیشتر
از این‌ها بله ولی همین اندازه
برای امروز خاصه



در داستان بعدی در مورد
«کار عاطفی»، که اونم به روش
زن‌هاست، صحبت می‌کنم

تا اون موقع
مراصب خودتون باشین

Emma.